

بایدها و نبایدهای ترویج دین در دانشگاهها از دیدگاه مقام معظم رهبری

عبدالحمید فرزانه^۱

چکیده

بدون تردید یکی از عوامل آسیب‌زا در حوزه شخصیت، اخلاق و ایمان مذهبی جوانان، به خصوص قشر فرهیخته دانشجوی، روشهای نارسا و پر نقص تبلیغ دین و ارائه نادرست برنامه‌های فرهنگی در دانشگاههاست. در جستار پیش رو سعی شده با تکیه بر دیدگاههای رهبر معظم انقلاب اسلامی به تبیین «بایدها» و «نبایدها»های ترویج دین و اخلاق در دانشگاهها پرداخته شود. «بایدهایی همچون: اخلاص و خدایی بودن انگیزه مروجان و همراهی علم و تقوا و یگانگی گفتار و کردار آنان و مهم شمردن کار در دانشگاهها و شناخت مخاطبان و نیازهای آنها، در کنار رفتار مهربانانه و برخورد عالمانه و اقدامات فعال و پیشگیرانه و «نبایدهایی مانند بدبینی نسبت به مخاطبان، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، برخوردهای جناحی، پردازش ضعیف موضوعات دینی و وجود خرافات در آنها، یأس و ناامیدی و انتقال آن به مخاطبان و غفلت از هنر و ابزارهای جدید برای تبلیغ دین، مواردی است که اگر سرلوحه کار متوکیان تبلیغ و ترویج دین در دانشگاهها قرار گیرد می‌توان به تأثیرگذاری عمیق بر مخاطبان و گسترش و نهادینه شدن اخلاق و دینداری در بین دانشگاهیان کاملاً امیدوار بود.

واژگان کلیدی: بایدها، نبایدها، اخلاق، دین، دانشگاه، دانشجوی، مقام معظم رهبری.

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۷/۱۲/۲۴

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، آدرس: شیراز- خیابان نشاط کوچه استانداری- پست بیمارستان شهید فقیهی- دبیرخانه منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی- طبقه اول

مقدمه

شکی نیست که ترویج هر چه بیشتر آموزه‌های دینی و فراگیر کردن امور فرهنگی و گسترش دامنه شمول آن و جذب و تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر مخاطبان از مهم‌ترین دغدغه‌های مجموعه‌ها و دست‌اندرکاران و فعالان حوزه‌های فرهنگ و مبلغان اندیشه‌های دینی - به خصوص در مراکز علمی و دانشگاهی - است و پیدا کردن راهکارهای مناسب در این زمینه و اجرای آنها در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی، «بایده‌هایی» است که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد. به گونه‌ای که اگر بهترین موضوعات اخلاقی و انسانی در قالبی نازیبا یا در فضایی نامناسب و نامطابق با مقتضای حال یا بدون آشنایی با مخاطب و نیازهای ذهنی و روانی او ارائه شود، نه فقط تأثیر لازم و مورد نظر را نخواهد داشت، بلکه چه بسا تنفر، ازدگی و اعتقاد به سستی بنیان آموزه‌های دینی و اخلاقی را در فراگیران سبب خواهد شد.

از این رو، همان گونه که پرداختن به چگونگی روشهایی که به افزایش دریافت کنندگان و مخاطبان امور فرهنگی بینجامد و بیش از پیش آنان را به سوی داده‌های اخلاقی، انسانی و معنوی دین مشتاق سازد از ابزارها و اصول بسیار مهم و کارساز است، شناسایی «نبایدها» و آسیب‌شناسی برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که با هدف ترویج دین و دینداری در فضای علمی دانشگاهها صورت گرفته و می‌گیرد نیز از ضروریات گریز ناپذیر به شمار می‌آید.

در این راستا صاحب این قلم بر آن است تا به روش تحقیق کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری که علاوه بر جایگاه والای شرعی و قانونی خود به عنوان ولی امر، بخش اعظم عمر خویش را نیز در ارتباط مستقیم با دانش و دانشجو و فرهنگ و تبلیغ دین سپری کرده و سالیان درازی حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با دانشگاهیان و دانشجویان و فرهنگیان و فرهنگ‌دوستان ارتباط نزدیک داشته‌اند، «بایدها» و «نبایدها»های ترویج دین و اخلاق در دانشگاهها را از نظر ایشان - به اندازه‌ی وسع نگارنده - بازبینی کرده و دست‌اندرکاران امور فرهنگی را به دقت و تأمل در گفتارها و دیدگاههای آن بزرگوار فراخواند.

امید آنکه در مجموع، گامی هر چند کوتاه، در راستای آسیب‌شناسی فعالیت‌های فرهنگی در بین جوانان و دانشگاهیان برداشته و بستر مناسبی جهت تبلیغ دین و ترویج اخلاق در محیط‌های دانشگاهی فراهم آید.

کلیات

از دیر باز نظرات گوناگونی پیرامون چگونگی طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های فرهنگی - تربیتی در بین متولیان امر و کارشناسان این رشته وجود داشته که همچنان در میان دست اندرکاران برنامه‌های دینی - فرهنگی از طرفدارانی فعال برخوردار است. به همین دلیل لازم است پیش از طرح دیدگاه مقام معظم رهبری در این زمینه، برخی از نظرات و شیوه‌های مطرح در عرصه تبلیغ و ترویج اخلاق و دین در دانشگاهها را مورد بحث و بررسی قرار داده، سپس به تبیین نظرات معظم له پردازیم.

الف) فراهم ساختن زمینه انتخاب آزادانه

جمعی معتقدند در یک محیط علمی و دانشگاهی، رعایت حرمت آزادی اندیشه و فراهم ساختن زمینه بهره‌مندی مخاطبان از اطلاعات گوناگون و روزآمد، کافی است تا کسانی که تشنه حقیقت هستند راه خود را بیابند و هر آنچه از دید آنها ارزشمند است گزینش کنند.

چنانکه ملاحظه می‌شود در این دیدگاه، هر چند به ظاهر احترام مخاطبان در برنامه‌های فرهنگی - تربیتی رعایت می‌شود، ولی این خطر وجود دارد که اهداف اصلی برنامه‌ها کم‌رنگ و گاه زمینه اشتباه و انحراف برخی از دریافت‌کنندگان کم‌اطلاع و ساده‌دل نیز فراهم شده، شبهات و تردیدهای غیر لازم دامن زده شود.

ب) برنامه‌ریزی هدفمند و بسته

برخی نیز اعتقادشان بر این است که اگر متولیان امور فرهنگی، باورهای خویش را به حق می‌دانند، باید بدون توجه به انتظار مخاطبان و تمایلات آنها، برنامه‌های فرهنگی - مذهبی هدفمند و از پیش تعیین شده را در محل مأموریت خود طراحی و اجرا کرده، از طرح و بررسی هر نوع مطالبی که با اعتقادات و باورهای دینی فراگیران تناقض دارد به شدت اجتناب کنند؛ چرا که در غیر این صورت، علی‌رغم هزینه شدن زمان و امکانات، دستاوردها و تأثیرگذاری‌ها به حداقل ممکن خواهد رسید و مخاطبان در انتخاب برنامه‌های سودمند از بین انبوه برنامه‌های طراحی و اجرا شده، سر در گم خواهند ماند.

نکته قابل ذکر در مورد این دیدگاه اینکه، محدود ساختن مخاطبان به اطلاعات مشخص اعتقادی و اخلاقی دین - آن هم با نگاه درون دینی - و عملکرد بسته در این زمینه، نه تنها آنها را در برابر امواج اطلاعات منفی دیگران بیمه نخواهد کرد، بلکه به علت خالی بودن ذهن آنها از شبهات و عدم آمادگی آنها برای پاسخگویی، بنیادهای فکری و عقیدتی سنتی آنان نیز متزلزل می شود.

ج) مخاطب شناسی و هماهنگی با مخاطب

سومین دیدگاه این است که مخاطب شناسی و توجه به نیازها و علایق دریافت کنندگان برنامه های فرهنگی - دینی و اطلاع داشتن از سطح آگاهی و پیش یافته های ذهنی آنها و رعایت احترام و برخورد محبت آمیز با آنان و تحمل نظرات و برآوردن انتظاراتشان، از جمله عواملی هستند که توفیق ترویج دین و دینداری را در دانشگاهها دوچندان خواهد کرد.

هر چند این دیدگاه تا حد بسیار زیادی واقع گرایانه تر و مؤثرتر از دو دیدگاه پیشین است، لکن نباید فراموش کرد که تبعیت بیش از حد از انتظارات مخاطبان در برنامه های فرهنگی از یک سو فاصله گرفتن از اهداف را در پی دارد و از سوی دیگر باعث می شود تأثیرگذاری بر فراگیران جای خود را به تأثیرپذیری از آنها داده و تبلیغات دینی سر از ناکجا آباد در آورد.

مراجعه کنید به مجله علمی و پژوهشی

مقام معظم رهبری و «باید»ها و «نباید»های ترویج دین در دانشگاهها

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای که اشراف گسترده ای بر امور فرهنگی و چگونگی تبلیغ و ترویج دین داشته و از تجربیات گرانبهایی در این زمینه نیز برخوردارند، دیدگاهی تلفیقی متشکل از یک دسته «باید»ها و «نباید»ها در باب برنامه های فرهنگی و کیفیت کار دینی در دانشگاهها دارند که در بخشهای ذیل به تبیین آنها خواهیم پرداخت.

«باید»های ترویج اخلاق و دین در دانشگاهها

در این بخش تلاش بر این است تا با تکیه بر سیره گفتاری و کرداری مقام معظم رهبری به عنوان یک معلم اخلاق و آشنا با مسائل جوانان و کار فرهنگی در دانشگاهها، راههای تأثیرگذاری مثبت اخلاقی بر دانشجویان و دانشگاهیان را معرفی کرده، به اختصار به تبیین و تشریح هر یک اقدام

کنیم. با همین انگیزه و با توجه به اینکه مخاطبان اصلی این مقاله متولیان تبلیغ دین و اخلاق در دانشگاهها؛ یعنی روحانیون و اساتید - به ویژه استادان معارف اسلامی - می‌باشند، روشهای مطرح شده در اینجا نیز به عنوان بخشی از «بایدهای ترویج اخلاق و فرهنگ دینی به این بزرگواران پیشنهاد می‌شود.

الف) اخلاص و خدایی بودن هدف

نیت خالص و قصد قربت علاوه بر اینکه برای انجام‌دهنده هر کاری نقشی تعیین‌کننده دارد و به فرموده پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) «الاعمالُ بالنیات» است و ارزش هر عملی به میزان خلوص صاحب آن بستگی دارد (مجلسی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۲)، در تأثیر‌گذاری بر مخاطبان نیز بسیار مؤثر است؛ زیرا از یک سو خداوند بزرگ خیر و برکتش را بر چنین کاری فرو خواهد ریخت و از سوی دیگر، وجدانهای بیزار از ریاکاری مخاطبان به سمت آن گفتار یا کردار جذب خواهند شد. به همین دلیل، مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان خود در دانشگاهها که رسالت سنگین پاسداری از مرزهای اندیشه دینی در مراکز آموزش عالی را بر عهده دارند - در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۸ - می‌فرماید:

اعتقاد ما این است و عقیده داریم که اگر شما آقایان در این حضور، قصد قربت کنید - که ان شاء الله همین جور هم هست - یکی از برترین و مفیدترین کارها است. این کار می‌تواند دارای آثار خیلی عمیقی باشد، خیلی با ارزش است. واقعاً نیت قربت کنید. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۰۶-۱۰۵)

ایشان همچنین در دیدار با رؤسای دانشگاههای کشور در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۹ ضمن توجه دادن آنها به مسئولیت بزرگی که در زمینه دانش و فرهنگ کشور بر عهده دارند و یادآوری این نکته که از سوی خداوند مورد سؤال واقع خواهند شد، می‌فرماید:

به هر حال هر چه می‌توانید اینجا عمل و تلاش کنید، ان شاء الله زحمت بکشید، خدای متعال هم کمکتان خواهد کرد؛ چون در راه او و برای اوست. نیت خودتان را خدایی کنید، بدون شک خدای متعال کمک خواهد کرد. (همان، ص ۱۳۰)

ب) همراهی علم و تقوا

عقل بشر بردهٔ علم و منطق و وجدان او سرسپردهٔ خوبی‌ها و پاکی‌هاست و آنگاه که این دو در کنار یکدیگر حرکت کنند کوه را از جا خواهند کند و هر مشکلی را از پیش پای انسان بر خواهند داشت. رهبر معظم انقلاب با توجه به همین موضوع در تاریخ ۷۷/۷/۱۸ نمایندگان خود را در دانشگاهها بایک تحلیل بسیار زیبا متوجه این دو سلاح برندهٔ نموده، گوشزد فرمودند که:

ما با قوت علم و تقوا می‌توانیم کار کنیم، این حاصل قضیه است. ما طلبه‌ها و روحانی‌ها هر جا هستیم، اگر عالم و پرهیزکار بودنمان بلندگد- البته علم به حسب خودش- کار پیش نخواهد رفت؛ چون در داخل دانشگاهها هم جوانها هدف این کار، طرف مقابل و مخاطبان این قضیه هستند. جوانها هم باهوشند و هم حساس. اگر بخواهید ایمان و ذهن و حرکت این جوان را به سمتی که شما در آن هستید متوجه کنید، راهش علم و تقواست؛ چون هر ذهنی در مقابل علم، خاضع می‌شود- چه بخواهد چه نخواهد- خصوصیت دانش این است که افراد را در مقابل خودش خاضع می‌کند. هر چند در ظاهر هم مکابره و عناد بکند، در باطن خضوع پیدا می‌کند. تقوا هم که سلاح عجیب و عظیمی است که برندگی آن حد و حصری ندارد، راهها را باز و فضا را نورانی می‌کند. (همان، ص ۱۰۹)

یکی از کارشناسان مهارت‌های تعلیم و تربیت در این زمینه می‌گوید: «معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوب باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد». (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۵)

مقام معظم رهبری نیز با همین نگاه در دیدار با گروهی از رؤسای دانشگاهها، در تاریخ ۷۷/۹/۹ لزوم همراهی دانش و تقوا را یادآور شده و می‌فرماید:

برادران عزیز و خواهران محترم، هر جا دین و تقوا پا گذارد و احساس مسئولیت الهی بر هر احساس مسئولیت دیگری پیشی بگیرد، کارها درست خواهد شد. «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» یعنی هر کسی تقوا پیشه کند خدای متعال از تنگناها برای او راه خروج باز خواهد کرد و از آنجایی که محاسبه نکرده است به او کمک خواهد رساند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۲)

ج) صداقت و یگانگی گفتار و کردار

شکی نیست که ریاکاری و دوگانگی قول و فعل، به ویژه در منظر باهوش‌ترین و حساس‌ترین قشر جامعه؛ یعنی جوانان و دانشجویان که مخاطبان اصلی کارگزاران فرهنگی در حوزه دین و مذهب می‌باشند، نه فقط زحمات را بی‌اثر می‌سازد، بلکه طرف مقابل را نسبت به دین و دینداران بدبین نیز خواهد کرد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: «به راستی اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دلها بلغزد، آنچنان که باران از روی سنگ صاف بلغزد». (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۵۶)

مقام معظم رهبری نیز در این راستا خطاب به روحانیون فعال در عرصه تبلیغ دین و فرهنگ می‌فرماید: «البته آقایان توجه بفرمایند که با عمل و زبان - هر دو - باید تبلیغ کرد و اخلاص را باید مشعل راه قرار داد و به وسیله رفتار، دلها را به صدق گفتار معتقد کرد». (خانه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۵)

ایشان همچنین در دیدار با جمع کثیری از دانشگاهیان و طلاب حوزه‌های علمیه - در تاریخ ۶۸/۹/۲۹ - ضمن سفارش به وحدت حوزه و دانشگاه و ارتباط طلاب و دانشجویان، تذکر می‌دهند که: «روحانیون در دانشگاهها عملاً - قبل از قولاً - کوشش کنند که نمونه‌های کامل عالم دین و طلبه علوم دینی را به طلاب و دانشجویان و دانشگاهیان ارائه بدهند». (همو، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۳۴)

همچنین آنگاه که مسئولان دفاتر نهاد در دانشگاهها وی را ملاقات می‌کنند، ضمن اشاره به این مطالب که حضور روحانیون در دانشگاهها به معنی بیان معارف اسلامی به صورت منطقی و مستدل است، یادآور می‌شوند که: «لیکن مهم‌ترش این است که رفتار، روش، حرکات و سکنات آقایان روحانیون، مبلغ دین و حامل معارف و ارزشهای دینی است». (همان، ص ۲۲۰)

ایشان همچنین در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاهها - در تاریخ ۶۹/۷/۸ - اظهار امیدواری می‌کند که: «ان شاء الله شهاب ثاقب بیان و فکر و علم و عمل و اخلاق شما در دانشگاهها بایستی شیاطین را دنبال کند و حوزه شیطنت آنها را محدود یا از بین ببرد». (همان، ج ۲-۱، ص ۷۱)

چنانچه ملاحظه می‌شود، همراهی و هماهنگی علم و عمل و گفتار و رفتار و در یک سخن، اخلاص و صداقت، از عناصر گرانقدری است که رهبر معظم انقلاب آن را برای توفیق در تبلیغ دین و اخلاق در بین دانشگاهیان لازم و واجب می‌شمارند.

امام سجاد (ع) نیز در یکی از سخنان گهربار خود بر ضرورت این مطلب تأکید فرموده و نسبت به جدایی گفتار و کردار از هم هشدار داده‌اند: «آگاه باشید که به راستی مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند کسی است که سنت و شیوه امامی را بپذیرد و از اعمال او پیروی ننماید.» (البحرانی، ۱۳۶۷، ص ۴۴۲)

د) درک اهمیت کار در دانشگاهها

همواره بین میزان اهمیتی که فرد برای کار و مسئولیتش قائل است و بین تلاشهای او در راستای انجام آن کار، رابطه‌ای معنی‌دار برقرار است. از این رو، چنانچه فردی مسئولیت خود را دست‌کم گرفته و آن گونه که باید و شاید برایش مهم جلوه نکند، نه تنها انگیزه لازم را برای فعالیتهای مناسب با شغلش نخواهد داشت، بلکه به دنبال کارها و مسئولیتهای دیگری رفته و چند شغله خواهد شد. در این صورت است که از نظر وقت و انرژی لازم برای انجام امور دچار مشکل شده، رشته کارها از دستش خارج می‌شود. به همین خاطر رهبر فرزانه انقلاب در تمام دیدارهایشان با دست اندرکاران امور دانشگاهها - تا آنجا که این حقیر بررسی کرده است - کوشش می‌کنند آنان را به سنگینی شغل و وظایفشان واقف سازند. در همین راستا هنگامی که وزیر آموزش عالی وقت و رؤسای دانشگاههای کشور را در دیدار با خویش می‌بینند، می‌فرمایند:

از اینکه ایشان این مسئولیت مهم را برعهده دارند خوشحالیم؛ هم به خاطر معنویت و شخصیت انقلابی و اسلامی و حقیقتاً دلسوزی‌ای که از ایشان سراغ داریم و هم به خاطر قدرشناسی مسائل دانشگاهها و علم کشور، که شاهد بودیم که چقدر ایشان به این مسائل اهمیت می‌دهند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۵)

در جایی دیگر در مقام بیان اهمیت امور فرهنگی و علاقه خودشان به این گونه فعالیتها، ضمن بیان خاطره‌ای، می‌فرمایند:

قبل از رحلت امام (ره) که دوران ریاست جمهوری در حال اتمام بود و دست و پایم را جمع می‌کردم، مکرر مراجعه می‌کردند و بعضی شغلها را پیشنهاد می‌نمودند. ولی من گفتم اگر یک وقت امام به من واجب کنند و بگویند شما فلان کار را انجام دهید، چون دستور امام تکلیف است و برو برگرد ندارد، آن را انجام می‌دهم. اما اگر

بایدها و نیایدهای ترویج دین در دانشگاهها از دیدگاه مقام معظم رهبری ♦ ۱۲۹

چنانچه تکلیف نباشد - و من از امام خواهم کرد که تکلیفی به من نکنند تا به کارهای فرهنگی پردازم - دنبال کارهای فرهنگی می‌روم. (مان، ص ۴۲-۴۱)

ایشان در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاهها (۶۹/۷/۸) می‌فرمایند: «در مورد دانشگاهها، اعتقاد من این است که این کار، خیلی مهم و بسیار حساس است و حساسیتش به خاطر آن محدوده کار است». (همو، ۱۳۷۹، ج ۱-۲، ص ۷۱)

همچنین در آغازین جملات حکم انتصاب نمایندگان خود در دانشگاهها گوشزد می‌فرمایند که: «اهمیت دانشگاه و نقش دانشگاهیان در نظام جمهوری اسلامی و برای آینده آن، از جمله اموری است که مدیران کشور و مخصوصاً متصدیان امور فرهنگی نباید لحظه‌ای نسبت به آن غفلت ورزند». (همو، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۰۴)

ه) شناخت مخاطبان و نیازهای آنها

بدون شک شناخت مخاطبان و درک انتظارات آنها و آشنایی با نیازهایشان، زمینه لازم برای برنامه‌ریزی مناسب در عرصه فرهنگ دینی و حرکت به سوی اسلامی شدن دانشگاهها را فراهم ساخته و باعث جذب هر چه بیشتر مخاطبان چنین برنامه‌هایی خواهد شد. در این راستا مقام معظم رهبری در جمع روحانیون و طلاب استان گیلان - در تاریخ ۸۰/۲/۱۲ - خطاب به آنان می‌فرمایند:

اولاً ببینید جوان چه می‌خواهد و سؤال ذهن و استفهام او چیست؟ باید روی محتوا کار کرد. ما باید استفهامهای ذهن جوان را بشناسیم تا پاسخ بجا واقع شود و آلا ممکن است شبهاتی در ذهنش باشد، ولی شما روی منبر چیز دیگری بگویید. او وقتی نگاه کرد و دید حرف شما متوجه ذهن او نیست، اصلاً به آن توجهی نمی‌کند، اما وقتی دید شما دارید همان استفهام و جهالت ذهن او را می‌شکافید و آن را می‌زداید، شوق پیدا می‌کند؛ امروز می‌آید، فردا می‌آید و تحت تأثیر قرار می‌گیرد. پس اول باید فهمید که سؤال او چیست و مشککش کجاست. (همو، ۱۳۸۰، ص ۳)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اهمیت شناخت مخاطبان به گونه‌ای در بیانات آن حضرت آشکار است که نیازی به توضیح ندارد. به همین علت، به سراغ نگاه دیگر آن بزرگوار به مسئله نیازشناسی می‌رویم تا اهمیت موضوع بیش از پیش آشکار شود. ایشان در سخنرانی خود در دانشگاه صنعتی شریف (۷۸/۹/۱) می‌فرمایند:

بنده همیشه این جمله را به دوستانم تکرار می‌کردم، الان هم به شما می‌گویم که هر انسانی باید تلاش کند نیاز لحظه را بشناسد و آن را برآورده کند. اگر نیاز این لحظه تاریخی را نشناختید و آن را برآورده نکردید و فردا فهمیدید، کار گذشته و دیر شده است. (همو، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۷۳)

رهبر فرزانه انقلاب در دیدار با اعضای مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاه - در تاریخ ۶۹/۷/۸ - شرایطی را برای حضور سازنده روحانیون در دانشگاهها بر می‌شمرند که نخستین آنها شناخت مخاطب است:

شرط اول این است که محیط دانشگاه و مسائل دانشجوی را بشناسد. اگر این خصوصیت نباشد، مفید نخواهد بود، یا خیلی کم‌فایده خواهد بود. فرض کنیم روحانی می‌خواهد به دانشگاه برود؛ اگر او به تفاوت محیط ذهنی و روحی و عملی و فکری دانشگاه با - مثلاً - بازار یا مسجد توجه نداشته باشد و همان‌طور که به بازار یا مسجد می‌رود، با همان روحیه و با همان خصوصیات و با همان مطالب به دانشگاه برود، به گمان قوی در برخورد، اشتباه خواهد کرد. باید دانشگاه را کما هوَ بشناسد و مسائل دانشجویان را بداند و بفهمد که مشکل و مسئله دانشجوی چیست، که من به بعضی از آن مسائل اشاره خواهم کرد. بنابر این، اولین نکته، شناخت محیط و مخاطب است. (همان، ج ۲-۱، ص ۷۲)

ایشان در جای دیگری برای رسیدن به هدف فوق و توجه دادن مخاطبان خود؛ یعنی مسئولان دفاتر نهاد در دانشگاهها، به اهمیت شناخت نیاز و شخصیت مجموعه‌ای که در انجام امور فرهنگی، هدف می‌باشند، کارشناسانه و عمیقاً آگاهانه به معرفی جوان پرداخته و می‌فرمایند:

جوان مرکز عواطف و احساسات است. واردات روحی زیادی دارد، همچنان که واردات ذهنی هم دارد. جایی احتیاج است که جوان بتواند خود را در آنجا در پناه یک روح بزرگ و دل‌صبور و نفسی مهربان و نیکخواه قرار بدهد. این دل‌صبور، فکر بلند و روح نیکخواه عبارت است از همین روحانی که دردها و مشکلات را می‌شنود و راهنمایی‌های لازم را می‌کند، با او همدردی و طبابت معنوی و روحی می‌کند. البته اگر یک روحانی به این نقطه رسید باید بداند که کارش در دانشگاه موفق بوده است و اگر هنوز به این نکته نرسیده‌اند، بدانید کمبودی در کار است. (همان، ص ۲۲۱)

و) به کارگیری اکسیر محبت

امیر مؤمنان، علی (ع) در مورد رابطه محبت و تأثیرپذیری می‌فرمایند: «به هر کس می‌خواهی نیکی کن تا امیر و فرمانروای او شوی». (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷، ص ۱۶)

مقام معظم رهبری نیز در این باب، سخنان رسا و روشنی دارند که هیچ نیازی به توضیح اضافی و شرح و بسط آنها نیست. برای مثال، ایشان خطاب به اعضای شورای مرکزی نمایندگان رهبری در دانشگاهها، شرایطی را برای موفقیت حضور روحانیون در دانشگاه بر می‌شمارند که یکی از مهم‌ترین آنها علاقه و محبت نسبت به دانشجویان است:

شرط دوم، علاقه و اعتقاد به دانشجو است. اگر کسی از شکل دانشجو و این جوانان این طوری بیزار است، پایش را به دانشگاه نگذارد. اگر کسی علوم رایج در دانشگاه را جهل می‌داند، اینها را اصلاً مهم نمی‌داند، به دانشگاه نرود. باید به رسالت دانشجو و رسالت و درس این محیط اعتقاد داشته باشد. دانشجو را مورد محبت خود قرار بدهد و بداند که او هم مثل همین جوانی است که پسر ماست. این قشر را به چشم تعطف و علاقه و محبت نگاه کند و به این علم و درس و این محیط علاقه داشته باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ج ۲-۱، ص ۷۳-۷۲)

همچنین تأکید می‌فرمایند که: «اما می‌خواهم بگویم که اگر مایلید در محیط دانشگاه، کمترین نشانه‌ای از بی‌نیت شما با آن دانشجویان وجود نداشته باشد، رابطه خود را با دانشجو بر اساس محبت و علاقه قرار دهید». (همان، ص ۷۲)

ایشان این انتظار معقول خود را حتی در دیدار با بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران نیز بیان می‌کنند و یادآور می‌شوند که: «ما حتی با کسی که با عقیده دینی ما مخالف است - و البته تعرض هم نمی‌کند - باید با رفتار مهربانانه و بزرگووارانه برخورد کنیم». (همو، ۱۳۸۰، ص ۷۴)

مقام معظم رهبری در زمینه برخورد عاطفی با جوانان و دانشجویان تنها به دیگران سفارش نمی‌کند، بلکه سیره عملی خود آن حضرت نیز چنین است. حضور دوستانه در بین دانشجویان، پذیرش صمیمانه جوانان و ورزشکاران و صرف افطار با آنها و لحن عاطفی آن بزرگووار در هنگام خطاب به این قشر فرهیخته جامعه، همه و همه گواه صادق این مدعاست. ایشان در جمع دانشجویان و طلاب، در روز وحدت حوزه و دانشگاه (۱۳۶۹/۹/۲۸) فرمودند:

طلاب جوان و عزیز و زحمتکش و قانع و مؤمن در حوزه‌های علمیه و نیز دانشجویان عزیز، این جوانان، این فرزندان و جگرگوشه‌های ملت، این بهترین و پاک‌ترین عناصر جامعه ما در دانشگاهها باید در خط اسلام و در جهت عظمت کشور و بلند کردن پرچم اسلام و بیدار کردن ملت‌های عالم و روح بخشیدن به این دنیای مرده به وسیله دست‌های استکباری درس بخوانند و کار و تلاش کنند. (همو، ۱۳۷۹، ج ۱-۲، ص ۱۰۳-۱۰۲)

این شیوه گفتاری و رفتاری رهبر بزرگوار انقلاب، دقیقاً همان چیزی است که متخصصان تعلیم و تربیت نیز بر آن اصرار می‌ورزند و مربیان و معلمان را به رعایت آن سفارش می‌کنند. برای مثال، مؤلف کتاب *آداب تعلیم و تعلم در اسلام* در این زمینه چنین می‌نویسد:

برای آنکه شاگرد بتواند با معلم انس پیدا کند و بدو اعتماد کند، باید از محبت و توجه او اشباع شود. وقتی شاگرد از معلم؛ توجه، محبت و احترام مشاهده نکرد و معلم نسبت به او توهین روا داشت، از معلم و استفاده از او بیزار می‌گردد. (حجتی، ۱۳۷۳، ص ۳۰۲)

(ز) برخورد عالمانه و بهره‌گیری از اندیشه

بر هیچ کس پوشیده نیست که هر قدر سخن، مستدل‌تر و منطقی‌تر و عالمانه‌تر باشد، شنونده را بیشتر و بهتر به پذیرش آن وادار می‌سازد؛ حال آن‌گاه که مخاطبان برنامه‌های فرهنگی - مذهبی، دانشجویان و دانشگاهیان باشند که خود نیروهای زبده فکری جامعه هستند، اهمیت موضوع دوچندان خواهد شد. به همین دلیل و با شناختی که رهبر فرهیخته انقلاب از محیط دانشگاه دارند، پس از آنکه مسئله بودن شناخت جوان و سؤالات ذهنی او را بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

ثانیاً در پاسخ مشکل او حتماً بایستی عالمانه سخن گفت. رژیم پهلوی در طول تبلیغات متوالی خود، به قشر دانشگاهی و قشر دور از روحانیت و به قول آن روزها - قشر متجددان این‌طور تفهیم کرده بود که کسانی که عمامه سرشان است، در دستگاهشان از علم و سواد خبری نیست. شروع نهضت اسلامی و ورود فضلالی جوان به محیط‌های دانشگاهی به کلی این تصور را به هم ریخت. دیدند نه، اینها اهل علمند و

در جای دیگری خطاب به مسئولان دفاتر نهاد می‌فرمایند:

حضور روحانیون در دانشگاهها به معنی حضور علم و دین در دانشگاههاست؛ یعنی دانشگاهها محل علم است و احیاناً به خاطر حضور آدمهای متدین محل دین هم هست، لکن روحانیت دانش دین را به صورت قوی و منطقی و قابل ارائه در محیط دانشگاه، متناسب با فهم دانشگاهیان مطرح می‌کند. (همو، ۱۳۷۹، ج ۲-۱، ص ۲۲۰)

ایشان در دیدار با مسئولان جهاد دانشگاهی به صورت روشن‌تری این دیدگاه خود را تبیین فرموده و نشان می‌دهند که هر نوع فعالیت فرهنگی در دانشگاه باید عمیق و علمی صورت گیرد تا هم مخاطبان بیشتری را شامل شود و هم قابل قبول‌تر و ماندگارتر باشد:

همین کارهای خوبی که خوشبختانه در دانشگاههای کشور انجام می‌گیرد - توجه به دین و اقبال به عبادات مثل نمازهای جماعت و جلسات دعا و اعتکاف و این چیزها - خیلی خوب است، منتها دایره تأثیر و عمق تأثیرش محدود است. اگر بخواهید این دایره را گسترش بدهید تا دل‌های اهل تحقیق را هم در خود بگنجانند و اثر آن را چنان ژرفا ببخشند که با هیچ طوفان و تندبادی از جا کنده نشود یا حتی متزلزل نشود، باید کار عمیق و علمی بکنید. (همان، ج ۵، ص ۳۳-۳۲)

جالب است که نظرات مقام معظم رهبری در این باب، دقیقاً با دیدگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت همخوان است و کارشناسانه بودن رأی ایشان نیز به اثبات می‌رسد. برای مثال، یکی از صاحب‌نظران این عرصه می‌گوید: «در تشکیل باورها باید بین آن دسته از عقاید که متکی بر دلیل هستند با آنچه که در اثر زمینه‌های عاطفی و شرطی به وجود آمده‌اند، فرق گذاشت. حتی در تشکیل باور صحیح باید دلایل درستی آن برای خود فرد روشن باشد». (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۸۰)

ح) اقدامات فعال و پیشگیرانه

همان‌طور که سازمان جهانی بهداشت شعار «پیشگیری بهتر از درمان است» را در حوزه بهداشت جسمی و روانی انسانها و جهت همت خویش قرار داده، برای حفظ سلامتی و بهداشت بعد معنوی بشر نیز باید به اقدامات پیشگیرانه و فعال دست یازید تا پیش از شیوع بیماری‌های مختلف اعتقادی و اخلاقی در سطح جهان، به خصوص در ایران اسلامی و به ویژه در محیط‌های دانشجویی،

واکسیناسیون لازم صورت پذیرد و برنامه‌های ضد دینی جهان‌خواران، خنثی و بی‌اثر شود. چنانچه تنها هنر ما این باشد که در مقابل فعالیتهای غیرمعنوی و گمراه‌کننده دشمنان، انفعالی برخورد کرده و فقط به درمان بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی شیوع یافته توسط آنان بسنده کنیم، موفقیت چندانی نخواهیم داشت و چرخ زمان به نفع آنها خواهد چرخید.

به همین دلیل مقام معظم رهبری معتقد است که دست دشمنان را از قبل باید خواند و پیش از ریختن هر زهری از سوی آنان، پادزهرش را مهیا و جامعه را در مقابل تمامی ویروسها و سموم ضدفرهنگی آنها واکسینه کرد: «شما باید در مقابل این حرکت موزیانه رسانه‌ها واقعاً سینه سپر کنید. هر جا رسانه‌ها روی نقطه‌ای تکیه می‌کنند شما اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید! بعداً بدهید.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۴)

همچنین در جایی دیگر یادآور می‌شوند که:

«جلوی صاحبان اندیشه‌ها و روشهای ناپاک را نمی‌شود گرفت. کاری که می‌شود کرد این است که بیاییم آن چیزی را که صاحب اندیشه ناپاک می‌خواهد استفاده بکند یا کرده است، در اختیار سرپنجه مقتدر اندیشه مقدس و پاک و والا قرار بدهیم.» (همان، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۱)

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، ایشان در عبارت اول جمله: «اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید بعداً بدهید» و در عبارت دوم جمله: «آن چیزی را که صاحب اندیشه ناپاک می‌خواهد استفاده بکند» را به کار می‌برد که دقیقاً مسئله پیشگیرانه و فعال برخورد کردن در تبلیغ فرهنگ دینی را تبیین می‌نماید.

«نباید»های ترویج اخلاق و دین در دانشگاهها

همان‌گونه که برای موفقیت در گسترش فرهنگ و اخلاق دینی لازم است نکاتی را به عنوان «باید»ها در دستور کار قرار داد و به آنها عمل کرد، «نباید»هایی نیز وجود دارد که شناخت و پرهیز از آنها، زمینه توفیق هر چه بیشتر متولیان را در این عرصه فراهم خواهد ساخت.

در این بخش تلاش شده تا با استفاده از رهنمودهای روشن‌بینانه رهبر فرزانه انقلاب، موانع و اسبابی که از فراگیر شدن دامنه تبلیغات اسلامی و ترویج موفق دین و دینداری در دانشگاه جلوگیری می‌کنند یا قوه دافعه آنها بیشتر از توان جاذبه آنهاست، شمارش و بازخوانی شود.

الف) بدبینی نسبت به مخاطبان

پرهیز از بدبینی و سوءظن نسبت به دیگران که شدیداً مورد سرزنش قرآن کریم قرار گرفته و حتی بعضی از انواع آن را گناه شمرده است (حجرات، آیه ۱۱۲)، از عواملی است که باعث می‌شود کارگزار فرهنگی نسبت به مخاطبان خود با پیش‌داوری و بدگمانی برخورد کرده و هر نوع برنامه و اقدام فرهنگی را جهت‌دار و بدون پشتوانه منطقی انجام دهد. به همین خاطر، رهبر اندیشمند انقلاب اسلامی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران (۶۸/۷/۲۸) سفارش می‌فرمایند که: «در جامعه اسلامی باید با خوشبینی با افراد برخورد کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۴۲) و سپس برای اثبات اهمیت این مطلب، نمونه‌هایی از سیره رسول گرامی اسلام (ص) را ذکر می‌نمایند که یکی از آنها به شرح زیر است:

پیش پیامبر (ص) می‌آمدند و از یکدیگر بدگویی می‌کردند و چیزهایی را درباره یکدیگر می‌گفتند، گاهی راست و گاهی هم خلاف واقع. پیامبر اکرم (ص) به مردم فرمودند: هیچ کس درباره اصحابم به من چیزی نگوید. دائماً نزد من نیاید و از همدیگر بدگویی کنید. من مایلم وقتی که میان مردم ظاهر می‌شوم سلیم‌الصدر باشم؛ یعنی با سینه صاف و پاک و بدون هیچ‌گونه سابقه و بدبینی به میان مسلمانان بروم. (همان، ص ۲۴۳) مرکز تحقیقات مکتب علم اسلامی

همان گونه که معظم له نیز اشاره فرمودند، اگر مبلغ دین، مخاطبان خود را که در فرض ما دانشجویان و دانشگاهیان هستند، با دیدی بدبینانه بنگرد در حالی که آنها افرادی دیندار و متعهد بوده و علی‌رغم ظاهر لباس و آرایش و احتمالاً نوع گفتارشان، دارای دل‌هایی پاک و باصفا و تشنه حقیقت می‌باشند، بدون شک تمام برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های او تحت‌الشعاع این بدبینی قرار گرفته و اقدامات او با انتظارات و مطالبات مخاطبان فاصله جدی پیدا خواهد کرد.

از این رو، ایشان در پاسخ دانشجویی که می‌پرسد «در طول فعالیت‌هایی که تاکنون داشته‌اید تا چه اندازه به جوانان مسئولیت داده‌اید؟» می‌فرمایند:

از اوایل انقلاب در کارهایی که در اختیار من بوده به جوانان مسئولیت می‌دادم، هم در نیروهای مسلح، هم در کارهای دولتی و هم در دوران ریاست جمهوری و تجربه من این است که اگر ما به جوان اعتماد کنیم - آن جوانی که شایسته دانستیم به او مسئولیت بدهیم و صلاحیتش را داشت، نه هر جوانی و هر مسئولیتی - از غیر جوان

هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد، هم سریع‌تر پیش می‌برد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد. (همو، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷)

ب) رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی

همان گونه که مقام معظم رهبری در مورد شناخت دانشجو و درک حساس بودن دانشجویان فرمودند، اگر بخواهیم مخاطبان امور فرهنگی از دور و بر ما پراکنده نشوند و از تأثیر زحماتی که در این عرصه کشیده می‌شود کاسته نشود، باید قبول کرد که شیوه زندگی دست اندرکاران مسائل فرهنگی در پذیرش و عدم پذیرش آنان و آموزه‌هایشان نقش بسزایی دارد. ایشان به همین جهت در حکم انتصاب نمایندگان ولی فقیه در دانشگاهها دقیقاً این موضوع را به این بزرگواران یادآور شده و می‌فرمایند: «همه برادرانی را که به این مسئولیت منصوب خواهند شد، به شرح صدر و رعایت دقیق اخلاق اسلامی و توکل به خدا و استغنا از زخارف دنیا توصیه می‌کنم». (همو، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۵)

به همین جهت در جایی دیگر می‌فرمایند:

امروز اگر روحانیت از زئی خود خارج شود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوءاستفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم از او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از آنها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. (همان، ص ۱۸)

ج) برخورد جناحی

اختلاف نظر و سلیقه را ممکن است بتوان به حداقل رساند، ولی هرگز نمی‌توان همه مردم و مخاطبان برنامه‌های فرهنگی را وادار ساخت تا یکسان ببینند. بنابر این، منطقی نیست که خادمان عرصه دین و فرهنگ و اخلاق در ترویج آموزه‌های دینی و در برخورد با مخاطبان خود تعصبات جناحی خویش را اعلام و اعمال کنند؛ چرا که در این صورت، بخشی از آنها را از تأثیرپذیری فعالیت‌های فرهنگی به دور خواهند داشت. در همین راستا رهبر معظم انقلاب خطاب به اعضای شورای مرکزی نمایندگانش در دانشگاهها - در تاریخ ۶۹/۷/۸ - می‌فرماید: «آقایان در دانشگاهها عمده تلاششان باید این باشد که متعلق به همه دانشجویان باشند، حتی آن دانشجویی که از لحاظ خط و ربط مورد پسند شما نیست». (همو، ۱۳۷۹، ج ۱-۲، ص ۸۱)

ایشان با وقوف به این مسئله که خواه ناخواه هر کسی دارای اعتقادات و گرایشهای خاص خود می‌باشد و حتی ممکن است واقعاً طرف مقابل و مخاطبان او دارای موضع حقیقی هم نباشند، یادآوری می‌فرمایند که در عین حال باید متولیان امور فرهنگی و روحانیونی که می‌خواهند در محیط‌های دانشگاهی کار کنند از موضع‌گیری‌های جناحی و جبهه‌گیری‌های دفع‌کننده، دست برداشته، پدرانۀ رفتار نمایند:

به نظر من در بسیاری از جاها و شاید بتوانیم بگوییم در اغلب جاها ممکن است که روحانی‌طوری‌مشی کند و طوری عمل نماید که حتی آن دانشجویی که از لحاظ مشی و فکر سیاسی و - به قول معروف - خط و ربط، این روحانی را قبول ندارد بگوید «انصافاً آقای خوبی است». اگر جایی درد دلی، یا یک مشکل روانی، یا عقده‌ای در ذهن و فکرش داشته باشد، باز می‌بیند این آقا ملجأ است. (همان)

در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۱/۹/۲۶ ضمن بیان دیدگاه خود در مورد ویژگی‌های دانشجوی متدین، فراجناحی‌نگریستن به این قشر جوان را نیز یادآوری می‌نمایند:

من اینجا به نظرم به دانشجویان هم این نکته را گفتم که هر کس شب بیست و یکم قرآن سرش گرفت و "بک یا الله" گفت، از نظر من او همان دانشجویی است که من می‌گویم متدین و خدایی و مسلمان و حزب الهی است؛ کاری ندارم از کدام حزب و کدام جناح و تشکیلات است. (قدوسی‌زاده، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۱۸)

د) پردازش ضعیف موضوعات دینی و وجود خرافات در آنها

انسان هر قدر هم که تشنه و گرسنه باشد، در حالت عادی از آشامیدن و خوردن چیزهای آلوده خودداری می‌کند. بنابر این، اگر قرار است ارائه‌دهندگان فرهنگ دینی، عطش معنویت و دین مخاطبان - آن هم میدان‌داران اندیشه و دانش - را فرو نشانند و فکر و دل آنان را سیراب کنند، باید حتی‌الامکان لکه‌های خرافات و آمیزه‌های غیردینی را از دامن مفاهیم و آموزه‌های دینی پاک کنند تا شوق تشنگان معارف اسلامی، به انزجار و بیزارای آنان از دین و دینداران نینجامد. توجه به یکی از سخنان رهبر تیزبین انقلاب در مورد نهضت حسینی (ع) و چگونگی ارائه فرهنگ عاشورا در بین دانشجویان و دانشگاهیان در این زمینه کارساز خواهد بود. ایشان می‌فرمایند:

اولین شرط [برای جدی گرفته شدن نهضت حسینی در بین اقشار جوان و دانشگاهیان] این است که ما حادثه را از پیرایه‌های مضر خالی کنیم. بنابراین، اولین مسئله این است که ما حادثه را خالص کنیم و آن حادثه خالص شده و دقیق و متقن را به انواع بیانهای هنری - از شعر و نثر و سبک روضه‌خوانی که خودش یک سبک هنری مخصوص است - بیامیزیم. (همو، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲)

ایشان در مورد رعایت قوت و مستحکمی در پردازش موضوعات دینی و در واقع؛ پرهیز از سستی و بی‌محتوایی تبلیغات اسلامی، خطاب به مسئولان دفاتر نهاد در دانشگاهها - در تاریخ ۱۹/۶/۷۵ - می‌فرمایند:

«بنابر این، حضور روحانیون و طلاب و فضلاء دینی در دانشگاهها به این معناست که معارف اسلامی را - در همه بخشهایش - به صورت منطقی، قابل ارائه، قوی و مستدل مطرح می‌کنند». (همو، ۱۳۷۹، ج ۲-۱، ص ۲۲۰)

جمع بندی و نتیجه گیری

بررسی و دقت در سیره عملی و دیدگاههای نظری مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) این نکته را ثابت می‌کند که، معظم‌له دانشگاه را محل دانش، مدرسان و استادان را دانشوران و فرهیختگان جامعه و دانشجویان را جوانان برگزیده و تیزهوش، حساس، مشتاق علم و منطق و استدلال می‌دانند. به همین دلیل، برای انجام درست یک کار فرهنگی و گسترش اخلاق دینی در چنین محیطی و نیز جذب هر چه بیشتر مخاطبان فرهنگ دینی و تبلیغ موفقیت‌آمیز دین، امور ذیل را لازم می‌دانند:

۱. دست اندرکاران امور فرهنگی و پرچمداران تبلیغ رسالات الله باید بیش از پیش، اخلاص و قصد قربت را پیشه خود ساخته و ساده‌زیستی و یکرنگی و محبت نسبت به دیگران را زینت‌بخش رفتار و کردار خود قرار دهند.

۲. در ارائه احکام و دستورات دین مقدس اسلام و انجام کار تبلیغات فرهنگ اسلامی در دانشگاهها و تأثیرگذاری بر اخلاق مخاطبان، منطق، استدلال، خردگرایی و بهره‌گیری از هنر و فن‌آوری‌های جدید و دوری جستن از بیان موضوعات سست و آمیخته با خرافات، سرلوحه تمامی فعالیت‌های مورد نظر قرار گیرد.

بایدها و نیایدهای ترویج دین در دانشگاهها از دیدگاه مقام معظم رهبری ❖ ۱۳۹

۳. تا آنجا که ممکن است از بدبینی نسبت به دانشهای جدید و دانشگاهیان، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، برخورد‌های جناحی و رواج یأس و ناامیدی در گفتار و کردار خودداری شود. در این صورت، بدون شک الطاف حضرت حق شامل حال تلاشگران این عرصه خواهد شد و روز به روز بر تعداد مخاطبان و عمق تأثیرگذاری بر آنان افزوده خواهد شد و بیش از پیش، اخلاق و دین در دانشگاهها گسترش خواهد یافت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۹)؛ ترجمه محمد دشتی، قم، نسیم حیات.
۳. البحرانی، حسن بن علی (۱۳۶۷)؛ تحف العقول فی اخبار آل الرسول (ص)، ترجمه احمد جنتی، تهران، امیرکبیر.
۴. حجتی، محمدباقر (۱۳۷۳)؛ آداب تعلیم و تعلم در اسلام، گزارش گونه‌ای از منیه المرید، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵)؛ حدیث ولایت، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)؛ دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، پنج جلد، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰)؛ فیض حضور ولایت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. شعبانی، حسن (۱۳۷۱)؛ مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، سمت.
۹. قدوسی‌زاده، حسن (۱۳۸۴)؛ تکتک‌های ناب، ج ۴، قم، نشر معارف.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۸)؛ الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع).
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳ق)؛ بحار الانوار، ج ۷۰، بیروت، دارالاضواء.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)؛ تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۷ق)؛ یکصد و پنجاه درس زندگی، قم، نسل جوان.
۱۴. نیک آیین، فضل‌الله (۱۳۶۹)؛ هنر از دیدگاه سیدعلی خامنه‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.